



The Zionist Regime's Cultural Diplomacy Strategies in Normalizing Relations with the United Arab Emirates^{1*}



10.22034/CDRJ.2025.499199.1037

Mohammad Javad Ghasemian Nick

PhD Student of Future Studies, Faculty of Islamic Studies and Management, Imam Sadiq University, Researcher, Institute for Security and Development Studies, Tehran, Iran
m.ghasemian@isu.ac.ir



0009-0003-5720-8347

Mohammad Hossein Shoa'ee

Assistant Professor, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Correspondence Author)
shoae@isu.ac.ir



0000-0001-9701-3585

ABSTRACT

The Zionist regime is engaged in identity and legitimacy issues among the people and countries of the West Asian region and uses all means to solve them, and normalizing relations is one of the main options for resolving this crisis. If this process extends from the government space to the people, this relationship will be sustainable. Therefore, the Zionist regime has taken steps using cultural diplomacy to create a way to penetrate the region and Iran in addition to creating strong allies. This research, which was conducted using the method of document study and semi-structured interviews with expert figures until saturation was reached and in the data processing stage, using the content analysis method, seeks to examine the tools and components of the Zionist regime's cultural diplomacy in the issue of normalizing relations with the UAE in order to identify the ways of its cultural influence in different countries. The findings were obtained in the form of 30 organizing themes and 6 overarching themes: "Public Diplomacy, Tools and Components", "Requirements and Backgrounds for Normalizing Relations with the Zionist Regime", "Normalizing Relations with the Islamic Republic of Iran (Making Enemies)", "The Importance of the West Asian Region, Especially the UAE (Making the Groundwork)", "Key Players", and "The Perspective of the Zionist Regime's Relations with the West Asian Region", each of which was described in detail in accordance with the research questions.



CC BY NC SA

Received: 11/01/2025
Accepted: 02/06/2025

Keywords:

Cultural Diplomacy,
Zionist regime,
United Arab
Emirates,
Normalization of
Relations.

1. This paper is an excerpt from the thesis titled "The Zionist Regime's Cultural Diplomacy in the West Asian Region; Emphasis on the Emirates and the Process of Normalizing Relations" and was defended under the guidance of Mohammad Hossein Shoa'ee at the Faculty of Islamic Studies, Culture and Communications, Imam Sadiq University (AS) on 2023/1/10.

*. The contents of the Journal reflect the thoughts and views of the authors, and the Journal is not responsible for this.

راهبردهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی^{*۱}



10.22034/CDRJ.2025.499199.1037

محمدجواد قاسمیان نیک

دانشجوی دکتری آینده‌پژوهی، دانشکده معارف اسلامی و مدیریت دانشگاه امام صادق(ع)، پژوهشگر پژوهشگاه مطالعات امنیت و پیشرفت، تهران، ایران

m.ghasemian@isu.ac.ir

0009-0003-5720-8347

محمدحسین شعاعی

استادیار دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

mshshoae1392@gmail.com

0000-0001-9701-3585



چکیده

رژیم صهیونیستی، درگیر مسائل هویتی و مشروعیت‌یابی در بین مردم و کشورهای منطقه غرب آسیا بوده و برای حل آن از تمامی ابزارها استفاده می‌کند و عادی‌سازی روابط، از گزینه‌های اصلی در حل این بحران است. اگر این فرآیند از فضای دولتی به مردم تسری یابد، این ارتباط پایدار خواهد بود؛ ازاین‌رو رژیم صهیونیستی با استفاده از دیپلماسی فرهنگی می‌کوشد علاوه بر ایجاد متحدان قوی، راه نفوذی به منطقه و ایران ایجاد کند. این پژوهش که با روش مطالعه اسنادی و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با شخصیت‌های خبره تا رسیدن به اشباع اجرا و در مرحله پردازش داده، با روش تحلیل مضمون انجام شده است، در پی بررسی ابزارها و مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در موضوع عادی‌سازی روابط با کشور امارات بوده تا راه‌های نفوذ فرهنگی آن را به کشورهای مختلف بررسی کند. یافته‌ها در قالب ۳۰ مضمون سازمان‌دهنده و شش مضمون فراگیر «دیپلماسی عمومی، ابزارها و مؤلفه‌ها»، «دلایل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی»، «عادی‌سازی روابط و جمهوری اسلامی ایران»، «اهمیت منطقه غرب آسیا به‌ویژه امارات (بسترسازی)»، «بازیگران کلیدی» و «چشم‌انداز ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه غرب آسیا» حاصل شد که شرح و تفصیل هرکدام متناسب با پرسش‌های پژوهش بیان شد.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۲



واژگان کلیدی:

دیپلماسی فرهنگی، رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی، عادی‌سازی روابط.

۱. این مقاله مستخرج از پایان‌نامه‌ای با عنوان «دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا؛ با تأکید بر امارات و فرایند عادی‌سازی روابط» با راهنمایی محمدحسین شعاعی است که در تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ در دانشکده معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق(ع) دفاع شده است.
* مطالب مندرج در فصلنامه مبین اندیشه‌ها و دیدگاه‌های نویسندگان است و از این بابت مسئولیتی متوجه فصلنامه نیست.

مقدمه

رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس نامشروع خود (۱۴ می ۱۹۴۸) تاکنون به‌عنوان کشوری استکباری، متخاصم و متجاوز در منطقه غرب آسیا شناخته می‌شود. این هویت صهیونیستی، سال‌های متمادی در اذهان مردم منطقه نقش بسته است، اما با شروع فرایند عادی‌سازی روابط با برخی کشورهای عربی به‌ویژه امارات، در حال تغییر، بازسازی و بهسازی است؛ فرایندی که طی آن، کشورهای مسلمان عربی و یا کشورهایی که این رژیم را به رسمیت نمی‌شناختند، به‌مرور از مواضع قبلی خود پایین آمده و رژیم صهیونیستی را کشوری مستقل قلمداد می‌کنند. رهبر معظم انقلاب در سخنانی درباره علت تشکیل این حکومت جعلی می‌فرماید: «هدف اصلی و نزدیک غربی‌ها از ایجاد دولت صهیونیست، بنای یک پایگاه حضور و نفوذ دائمی برای خود در غرب آسیا برای دخالت، تحمیل و تسلط بر کشورها و دولت‌های منطقه بود» (<https://khl.ink/f/45665>). این هدف صرفاً با نمایش ابزارهای پیشرفته نظامی و افزایش مراودات اقتصادی انجام‌پذیر نیست؛ بلکه برجیدن بذر نفرت از رژیم صهیونیستی از ذهن مردم به‌ویژه جوانان و نسل آینده، نیازمند استفاده از روش‌های مختلف نفوذ در اذهان و افکار مردم منطقه است. پس از برآورده شدن این هدف، رژیم صهیونیستی به‌سهولت می‌تواند با همراه کردن دیگر کشورهای منطقه غرب آسیا، به مقابله تمدنی، فرهنگی، سیاسی و حتی نظامی با دشمن دیرینه خود یعنی جمهوری اسلامی پردازد. براین اساس، استفاده از دیپلماسی فرهنگی یکی از مهم‌ترین راهکارها برای این امر از سوی رژیم صهیونیستی، مورد انتظار است.

دیپلماسی عمومی در رژیم صهیونیستی، سیاستی است که از سال ۱۹۶۹ میلادی در زمان تصدی‌گری گولدا مئیر^۱ بر کرسی نخست‌وزیری این رژیم با مفهومی به نام هسبارا^۲ آغاز شد و پس طی فرازونشیب‌هایی، اکنون نیز با قوت بسیار بیشتری درحال فعالیت است، تاجایی‌که اکنون یک شورا و قرارگاه عالی با همین عنوان در ساختار دفتر نخست‌وزیری رژیم صهیونیستی وجود دارد تا این موضوع را به‌صورت جدی و با هزینه‌ای هنگفت پیش ببرد.

1. Golda Meir
2. Hasbara

هدف اولیه و اصلی آن‌ها هرچه بیشتر تحت تأثیر قرار دادن یهودیان و ترغیب آنان به پذیرش ایده صهیونیسم و مهاجرت به فلسطین (آهوپی و متین‌جاوید، ۱۳۹۲: ۱۸۵) بوده که اکنون و پس از گذشت سال‌ها، این هدف دچار تحولاتی شده است و به‌دنبال ایجاد یک نفوذ دائمی در کشورهای مختلف مخصوصاً کشورهای منطقه غرب آسیاست.

در ادبیات دیپلماسی فرهنگی بازیگر مردمی - دولتی با بهره‌گیری از برخی ابزارها و روش‌های اقناعی از طریق رسانه‌های سنتی و جدید، صنایع فرهنگی مثل صنعت گردشگری، فعالیت‌های اجتماعی انسان‌دوستانه و غیره (جی هورن و تومالین، ۱۴۰۰: ۳۲۱) بر اذهان و نگرش‌ها و رفتار ملت و مردم به‌ویژه جوانان و نسل جدید، تأثیر گذاشته و دولت منافع مدنظر خود را به‌صورت تلویحی کسب می‌کند. در اینجا از یک سو با در نظر گرفتن رژیم صهیونیستی به‌عنوان بازیگر دولتی و از سوی دیگر مردم غرب آسیا که اکثراً در مقابل پمپاژهای خبری مغرضانه رسانه‌های غربی علیه گفتمان مقاومت قرار دارند، پازل دیپلماسی فرهنگی تکمیل شده و رژیم صهیونیستی می‌تواند با استفاده از ابزارهای مختلف فرهنگ در عرصه بین‌الملل، هدف خود را در دسترس دیده و به آن نزدیک شود.

همان‌طور که بیان شد، اصلی‌ترین راهکار در این مسیر استفاده از ابزارهای دیپلماسی فرهنگی است. ابزارهایی چون گردشگری، غذا، رسانه، گفت‌وگوهای دینی، ارتباطات دانشگاهی، ورزش و فناوری. این موارد به‌خودی‌خود می‌توانند بر نگرش مردم تأثیر آنی و لحظه‌ای داشته باشند (مثل رسانه) و برخی دیگر (مثل غذا) به‌مرور و در صورت استمرار، به عمق اذهان مردم نفوذ می‌کند.

در هر صورت در رهگذر کم‌رنگ شدن آرمان فلسطین و استحاله اصول اصیل اسلامی مثل «مقاومت اسلامی» و جایگزین کردن آن با مفاهیمی چون هم‌زیستی مسالمت‌آمیز ادیان مختلف با یکدیگر و تبدیل اسلام فعال و مجاهد به اسلام‌های رحمانی، جایگاه و نقش رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا ارتقا و رشد خواهد یافت و در نهایت این نفوذ فرهنگی، به مقاصد راهبردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی خود نزدیک‌تر می‌شود. این پژوهش می‌کوشد با

استفاده از چهارچوب نظری دیپلماسی فرهنگی به بررسی مفهوم، سابقه، روش‌ها، ابزار و راهکارهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در قبال امارات متحده عربی بپردازد و به این پرسش پاسخ دهد که دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی از چه مؤلفه‌ها و راهبردهایی تشکیل شده است.

۱. مبانی مفهومی دیپلماسی فرهنگی

دیپلماسی فرهنگی را می‌توان تلاش بازیگر برای مدیریت محیط بین‌المللی به وسیله شناساندن منابع و دستاوردهای فرهنگی خود به خارج یا تسهیل انتقال آن‌ها به خارج تعریف کرد. این کار اغلب با مبادلات هم‌پوشانی دارد و اغلب کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (کال، ۱۳۹۰: ۲۰).

دیپلماسی فرهنگی یکی از ابزارهایی است که با استفاده از آن یک کشور دیده‌شدن خود را در صحنه جهانی افزایش می‌دهد و نفوذ سیاسی و اقتصادی به دست می‌آورد. یک کشور با جلب توجه به فرهنگ‌ها، سنت‌ها، سبک زندگی و از طریق ترویج صادرات به‌گونه‌ای که سبب جذابیت آن برای سایر ملت‌ها و گروه‌های منطقه‌ای شود، این کار را انجام می‌دهد. این دستاورد با استفاده از مأموریت‌های فرهنگی از طریق آموزش و تربیت، با تأکید بر هنر، ورزش و رسانه انجام می‌شود (جی هورن و تومالین، ۱۴۰۰: ۳۲۶).

اگرچه هیچ تعریف یا توافقی بر سر مفهوم دیپلماسی فرهنگی وجود ندارد، اما می‌توان آن را مهم‌ترین روشی دانست که کشورها ارزش‌های فرهنگی - سیاسی خود را به‌واسطه آن در سایر نقاط جهان ترویج می‌دهند. انگاره اصلی دیپلماسی فرهنگی این است که به مردم فرصت دهد تا به فرهنگ‌ها و دیدگاه‌های مختلف دسترسی داشته باشند و در این روش به بهبود درک متقابل و گفت‌وگو دست یابند. دیپلماسی فرهنگی توسط طیف وسیعی از بازیگران از جمله دولت‌های ملی، نهادهای دولتی و بخش خصوصی و جامعه مدنی انجام می‌شود (چاکر ابورتی، ۱۳۹۹: ۴۸).

دیپلماسی فرهنگی در واقع تأمین منافع ملی با استفاده از ابزارهای فرهنگی است. ممکن است پیشبرد منافع ملی با به‌کارگیری ابزارهای فرهنگی نتواند جایگزین سایر ابزارها همانند ابزارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی شود، اما می‌تواند مکمل آن‌ها باشد (اسفندیاری و صادقی، ۱۳۹۶: ۳۷).

صالحی امیری و محمدی نیز دیپلماسی فرهنگی را حوزه‌ای از دیپلماسی نوین دانسته‌اند که سعی در ایجاد و توسعه روابط با کشورهای خارجی از طریق ابزارهایی چون فرهنگ، هنر و آموزش دارد (صالحی امیری و محمدی، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

۱-۱. ویژگی‌های دیپلماسی فرهنگی

شناخت مؤلفه‌ها و ویژگی‌های دیپلماسی فرهنگی ما را در فهم بهتر گستره این مفهوم یاری خواهد کرد. اشنایدر هفت ویژگی شاخص را برای دیپلماسی فرهنگی برشمرده است:

- دیپلماسی فرهنگی خیابانی دوطرفه است؛
- دیپلماسی فرهنگی در طولانی مدت عمل می‌کند؛
- دیپلماسی فرهنگی برای سیاست‌های غیرمردمی کارساز نیست؛
- دیپلماسی فرهنگی می‌تواند میان مردمان و فرهنگ‌های مختلف تفاهم را افزایش دهد؛
- دیپلماسی فرهنگی را نمی‌توان به شکل دقیق اندازه‌گیری کرد. این دیپلماسی تحولی کیفی و نه کمی میان ملت‌ها و افراد ایجاد می‌کند؛
- دیپلماسی فرهنگی زمانی تأثیرگذار است که در جهت منافع کشور یا منطقه باشد؛
- دیپلماسی فرهنگی باید سازنده، انعطاف‌پذیر و موقعیت‌شناس باشد (Schneider, 2006: 196؛ به نقل از شهبازی، ۱۳۹۹).

۱-۲. قلمروها و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی

پژوهشگران مختلف بسته به نوع تعریفشان از فرهنگ و دیپلماسی، قلمروهای متعددی را برای دیپلماسی فرهنگی در نظر گرفته‌اند. اگر قرارداد کنیم فرهنگ یک جامعه و کشور از ابعادی نظیر، تاریخ، مذهب، نژاد، ادبیات، تفریحات، نظام اقتصادی، نظام علم و علم‌آموزی، اطلاعات و نظام حکمرانی مشتمل شده است، آنگاه می‌توان دیپلماسی فرهنگی را به شعبه‌هایی نظیر دیپلماسی زبانی، دیپلماسی نژادی، دیپلماسی دینی، دیپلماسی ورزشی، دیپلماسی آموزشی، دیپلماسی تاریخی و دیپلماسی رسانه‌ای تقسیم کرد (شیخ‌الاسلامی و نوری، ۱۳۹۶: ۱۰۸).

۲. پیشینه پژوهش

مرتضی قانون (۱۳۸۱) به بررسی علل و انگیزه‌های مؤثر در تحکیم و گسترش روابط بین ایران و رژیم صهیونیستی پیش از انقلاب اسلامی و در زمان پهلوی دوم پرداخته است. در پژوهشی دیگر ردپای حضور رژیم صهیونیستی در سال‌های نزدیک‌تر در کشورهای عربی توسط امین مصطفی (۱۳۸۸) مورد بررسی قرار گرفته است تا ردپای حضور این رژیم در کشورهای اسلامی - عربی و خیانت‌های پشت‌پرده آن به آرمان فلسطین را برملا سازد. نقش و اهمیت جمهوری اسلامی ایران در بحث نفوذ بسیار بالاست. به همین دلیل بابایی (۱۳۹۷) و احمدی (۱۳۹۷) پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود را به این موضوع اختصاص دادند تا ریشه نفوذ رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی را مورد بررسی قرار دهند. آهویی و متین‌جاوید (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با نام «اهداف، اولویت‌ها و مخاطبان دیپلماسی عمومی اسرائیل» و شیخ‌الاسلامی (۱۳۸۹) نیز در مقاله‌ای با نام «درآمدی بر دیپلماسی عمومی اسرائیل به صورت موردی و جزئی» دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی یا به عبارت دیگر هسبارا را مورد کنکاش قرار داده‌اند تا علاوه بر مشخص شدن راهکارهای این رژیم، نقاط قوت و ضعف این راهبرد را بررسی کنند.

در مقاله بسیار مهم «دیپلماسی عمومی نوین و سیاست خارجی اسرائیل» اثر ایتان گیلپوا (۱۳۸۷) پژوهشگر سرشناس اسرائیلی امریکایی با نگاهی دیگر به مطالب یادشده، دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی را از داخل مورد ارزیابی و نقد قرار می‌دهد. مقاله‌ای دیگر توسط ملکی و محمدزاده (۱۳۹۹) حاضر شده که بر اساس نظریه نوواقع‌گرایی پدیده عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و جهان عرب را مورد کنکاش قرار داده است. پژوهش‌های دیگری مثل علی‌کرمی و شریعتی (۱۳۹۳) و شفیعی سروستانی و همکاران (۱۳۹۴) به عوامل مؤثر ولی جزئی در مبحث دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی پرداخته‌اند. در پژوهش‌های دیگری همچون گوهری مقدم و همکاران (۱۴۰۱) که پژوهشی مهم روی شبکه اجتماعی تویتر بوده است، موضوع عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و امارات مورد بررسی قرار گرفته، اما به

دلایل انجام این کار و همچنین ربط و نسبت این اقدامات به دیپلماسی فرهنگی اشاره‌ای نشده است. در مجموع باید گفت، پژوهشی که ابعاد مختلف دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی را مورد بررسی دقیق علمی قرار دهد، یافت نشد؛ از این رو پژوهشگر برای رسیدن به پرسش پژوهش، نوآورانه سعی در طی طریق می‌کند.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش در مرحله گردآوری داده‌ها به صورت اسنادی و علاوه بر آن، مصاحبه نیمه‌ساخت یافته با شخصیت‌های مطلع از موضوع رژیم صهیونیستی تا رسیدن به اشباع و کفایت نظری است. در مرحله پردازش داده نیز تحلیل مضمون مصاحبه‌ها صورت پذیرفته است.

۴. گردآوری داده‌ها

۴-۱. روش مطالعه کتابخانه‌ای

مطالعات کتابخانه‌ای هرچند در گذشته نوعی روش تحقیق به حساب می‌آمده، اما امروزه بیشتر در گردآوری اطلاعات پیرامون تاریخچه موضوع مورد پژوهش به کار گرفته می‌شود. روش پژوهش اسنادی، هم به منزله روشی تام و هم تکنیکی برای تقویت سایر روش‌های کیفی در پژوهش‌های علوم اجتماعی مورد توجه بوده است. در این روش، پژوهشگر داده‌های پژوهشی خود را درباره کنشگران، وقایع و پدیده‌های اجتماعی، از بین منابع و اسناد جمع‌آوری می‌کند. بخش قابل توجهی از پژوهش‌های نظری در جامعه‌شناسی، خواسته یا ناخواسته، از روش اسنادی بهره می‌برند. چنین روشی می‌تواند تکنیک‌های لازم را برای بررسی پیشینه پژوهش‌ها فراهم آورد (ببی، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

۴-۲. روش مصاحبه نیمه‌ساخت یافته

در قسمت دوم و اصلی این تحقیق نیز از روش مصاحبه برای گردآوری اطلاعات اصلی استفاده شده است. در میان فنون جمع‌آوری داده در پژوهش‌های کیفی، مصاحبه رایج‌ترین

شکل جمع‌آوری داده در پژوهش‌های کیفی است که اغلب منبع اصلی مورد نیاز در داده‌های کیفی برای فهم پدیده‌های مورد مطالعه است. یکی از پرکاربردترین تکنیک‌های گردآوری اطلاعات به‌ویژه در ایران مصاحبه است. در این شیوه از مصاحبه، تعداد پرسش‌های نیمه‌باز و پرسش‌های باز در مقایسه با مصاحبه سازمان‌یافته بیشتر است و مصاحبه‌گر در هدایت فرایند مصاحبه از آزادی عمل بیشتری برخوردار است و در مواردی که توضیح پاسخ‌گو را کافی نداند این اختیار را دارد که از پاسخ‌گو توضیح بیشتری بخواهد (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۹۰: ۷۲). در این پژوهش با مصاحبه از یازده نفر از افراد خبره، مطلع و آشنا به موضوعات رژیم صهیونیستی، امارات متحده عربی، دیپلماسی فرهنگی و عمومی به اشباع نظری رسیده‌ایم. پرسش‌های مصاحبه و فهرست مصاحبه‌شوندگان به شرح ذیل است.

جدول شماره ۱. پرسش‌های مصاحبه

ردیف	پرسش‌ها
۱	تاریخچه دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی چیست؟
۲	دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در سیاست‌های منطقه‌ای از چه جایگاهی برخوردار است؟
۳	هدف رژیم صهیونیستی از تقویت روابط فرهنگی با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس چیست؟
۴	چرا رژیم صهیونیستی از دیپلماسی فرهنگی استفاده می‌کند؟
۵	ابزارهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در موضوع عادی‌سازی روابط با امارات متحد عربی کدام‌اند؟
۶	آیا این تحولات در روابط بین رژیم صهیونیستی و کشورهای خلیج فارس می‌تواند به تحولات بزرگ‌تر در منطقه غرب آسیا یا جهان اسلام منجر شود؟
۷	چرا دیپلماسی دینی و فرهنگی بین رژیم صهیونیستی و امارات مهم است؟
۸	عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و امارات چه تأثیری بر معادلات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران داشته و خواهد داشت؟
۹	عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و امارات چه تأثیری بر منطقه غرب آسیا داشته و خواهد داشت؟
۱۰	فرایند عادی‌سازی روابط چرا و چگونه صورت می‌گیرد؟ نقش دیپلماسی فرهنگی در این بین چیست؟

جدول شماره ۲. مصاحبه شوندگان

ردیف	نام و نام خانوادگی	معرفی اجمالی (سمت/تخصص)
۱	محسن ارتضایی	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی
۲	محمد محمدی	کارشناس ارشد مسائل امنیت ملی و سیاست خارجی
۳	سلیمان رضوی	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی و فلسطین
۴	احمد قانع	عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق(ع) و نماینده مقام معظم رهبری در سال ۲۰۲۱ در دبی
۵	جعفر رضوی	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل فلسطین
۶	بردیا عطاران	دکترای فرهنگ و ارتباطات و کارشناس مسائل دیپلماسی عمومی و منطقه خلیج فارس
۷	ابوالفضل بابایی	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی
۸	علی محمدی	کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی و منطقه شامات
۹	محمد محسن فاضلی	کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی
۱۰	حسین محمدی	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل رژیم صهیونیستی
۱۱	وحید مردانه	دکترای علوم سیاسی و کارشناس مسائل فلسطین

۵. تحلیل داده‌ها

۵-۱. روش تحلیل مضمون

تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود و برخلاف سایر روش‌های کیفی مانند تحلیل گفتمان، تحلیل محتوا و روش تحلیلی پدیدارشناسی تفسیری، به چهارچوب نظری خاصی وابسته نیست می‌توان و از آن در چهارچوب‌های نظری متفاوت و برای امور مختلف استفاده کرد (Braun & Clarke, 2006)؛ به همین دلیل در پژوهش حاضر از این روش برای تحلیل داده‌ها استفاده خواهد شد.

در این روش، محقق کدها را بر اساس نظریه مشخصی انتخاب می‌کند و علائم، شاخص‌ها و شواهدی را که با این نظریه حمایت می‌شوند، می‌شناسد و کدگذاری می‌کند. کدهای مرتبط با هر مضمون نیز از فرضیه‌ها و مؤلفه‌های نظریه مورد نظر استخراج می‌شود. بررسی ادبیات نظری، درک مناسبی برای شناخت مضامین فراهم می‌کند. کدهایی را که سایر پژوهشگران به کار برده‌اند و نتایج تحقیقات آن‌ها، به توسعه کدها در روش مبتنی بر تحقیقات گذشته، مستقیماً

کمک می‌کند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۵۲).

به‌طور کلی و ناظر به مراحل تحلیل مضمون ارائه‌شده توسط براون و کلارک (۲۰۰۶) می‌توان گفت تحلیل مضمون شامل مراحل شش‌گانه زیر است:

ارتباط با متن، کدگذاری، شناخت مضامین سازمان‌دهنده، رسم شبکه مضامین فراگیر، تحلیل مضامین فراگیر، و تدوین نهایی و تحلیل گزارش (Braun & Clarke, 2006).

۶. یافته‌های پژوهش

مبتنی بر روش تحلیل مضمون، ابتدا فرایند کدگذاری مصاحبه‌ها به‌صورت کامل انجام شد و پس از آن توضیحات لازم پیرامون هر مرحله از کدگذاری و تفصیل مضامین سازمان‌دهنده و مضامین فراگیر به‌دست‌آمده بیان شد.

■ کدگذاری توصیفی و تفسیری

نخستین مرحله از فرایند تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون، کدگذاری توصیفی است. در این مرحله ابتدا تمامی مصاحبه‌ها به‌صورت متنی پیاده شده و پس از آن، ۲۹۷ کد اولیه استخراج شد و در مرحله دوم، با کنار هم قرار دادن موارد مرتبط و دسته‌بندی کدهای اولیه، در مجموع ۳۰ مضمون سازمان‌دهنده به دست آمد.^۱

■ یکپارچه‌سازی مضامین فراگیر

در گام پایانی فرایند تحلیل داده‌ها، ۳۰ مضمون سازمان‌دهنده مرحله قبل در قالب شش مضمون فراگیر دسته‌بندی شد تا بدین‌سان مراحل روش تحلیل مضمون طی شده باشد. جدول شماره ۱ نمایانگر مرحله یکپارچه‌سازی و ایجاد مضامین فراگیر است.

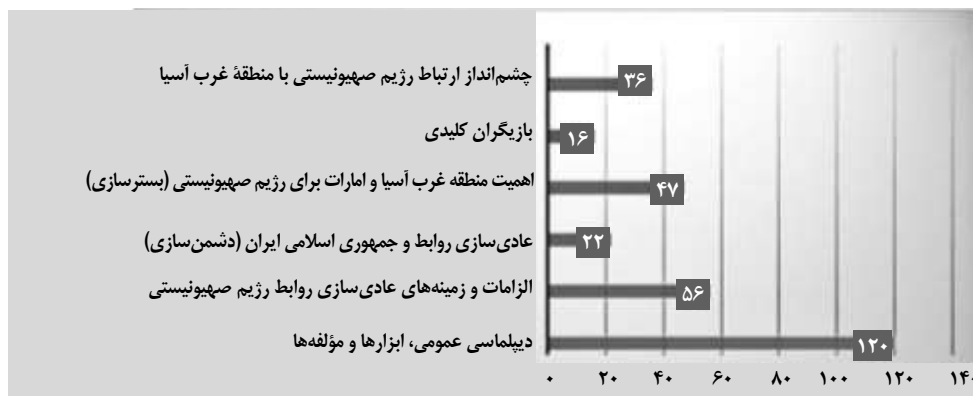
۱. این موارد به دلیل جلوگیری از اطاله کلام، در جدول پیوست نمایش داده شده است.

جدول شماره ۳. مضامین سازمان دهنده و فراگیر

مضمون فراگیر	مضامین سازمان دهنده	ردیف
ابزارها و مؤلفه‌های دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی	مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی	۱
	دیپلماسی دینی	
	دیپلماسی علم و فناوری	
	دیپلماسی ورزشی	
	دیپلماسی رسانه‌ای	
	دیپلماسی گردشگری	
	دیپلماسی غذایی	
	نقش شرکت‌های خصوصی و سمن‌ها	
دلایل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی	نفوذ امنیتی	۲
	دلایل عادی‌سازی روابط	
	وجهه منفی مردمی	
	کاهش پیگیری آرمان فلسطین / مشروعیت‌یابی	
	بهبود برند و تصویر	
قیح‌زدایی		
عادی‌سازی روابط و جمهوری اسلامی ایران	نقش و اقدامات جمهوری اسلامی ایران	۳
	تأثیر مستقیم بر جمهوری اسلامی ایران	
اهمیت منطقه غرب آسیا به‌ویژه امارات برای رژیم صهیونیستی (بسترسازی)	اهمیت منطقه غرب آسیا	۴
	الگوسازی امارات	
	ضعف‌های ساختاری امارات	
	فرصت‌های حضور در امارات	
	قراردادهای تجاری و اقتصادی	
	مراودات نظامی و تسلیحاتی	
اهمیت منطقه خلیج فارس		
بازیگران کلیدی	نقش و اقدامات ایالات متحده آمریکا	۵
	نقش و اهمیت عربستان سعودی	
چشم‌انداز ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه غرب آسیا	حل‌کننده بحران و نیازها	۶

ردیف	مضامین سازمان‌دهنده	مضمون فراگیر
	قوت بالا در علم و فناوری	
	تاریخچه دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی	
	پایداری ارتباط رژیم صهیونیستی با امارات	

نمودار شماره ۱ حاکی از این است که بیشتر پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان در زمینه مؤلفه‌ها و ابزار دیپلماسی عمومی بوده که به صورت غیرمستقیم و ملموس بیانگر این نکته است که رژیم صهیونیستی از دیپلماسی فرهنگی برای اقدام در زمینه عادی‌سازی روابط بهره برده است. در ادامه به بررسی و تحلیل تمامی مضامین فراگیر پرداخته خواهد شد.



نمودار شماره ۱. فراوانی کدهای احصاشده ناظر به مضامین فراگیر

۱-۶. تحلیل یافته‌های پژوهش

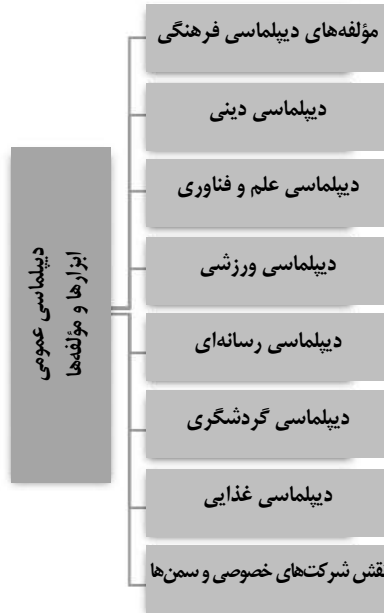
۱-۶-۱. دیپلماسی عمومی

با بیش از صد کد، فراگیرترین و اصلی‌ترین پاسخ مصاحبه‌شوندگان در این مضمون قرار گرفته است. نکته قابل اهمیت دیگر است که پرسش اصلی پژوهش نیز بر این مدار بوده و به دنبال این است که مؤلفه‌ها و ابزارهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی را برشماری کند. از این مضمون می‌توان به چند نکته اصلی پی برد. ابتدا اینکه دیپلماسی فرهنگی از ابزارهای متعددی از جمله دیپلماسی دینی، دیپلماسی علم و فناوری، دیپلماسی گردشگری و غیره تشکیل شده و

رژیم صهیونیستی ناظر به هر کدام از طریق برنامه‌هایی جداگانه در حال فعالیت است. تمامی این اقدامات به واسطه اینکه مستقیم با مردم سروکار دارد، هدف اصلی دیپلماسی فرهنگی یعنی مردمی‌سازی سیاست‌های کلان را انجام می‌دهد.

در کل باید گفت، مؤلفه به معنای اجزا و عناصر تشکیل‌دهنده یک کل است که در اینجا کل دیپلماسی فرهنگی و اجزای آن همان اهداف ماهوی ثمرات استفاده از آن است. مواردی همچون اینکه دیپلماسی فرهنگی سبب نفوذ برنامه و سیاست حکومت به آحاد مردم جامعه هدف برای ایجاد پذیرش اجتماعی، اصلاح کلیشه‌های ذهنی، تغییر ذائقه و ایجاد تماس فرهنگی دو مردم یا عامل رسیدن بیشینه به منافع ملی، تأثیر غیرمستقیم و مستمر بر سیاست‌های جامعه هدف است.

فهم خروجی و ثمرات نهایی سیاست دیپلماسی عمومی و فرهنگی یک کشور، نیاز به فهم ساختار مجری آن و همچنین بستر مورد استفاده و بهره‌برداری است. در زمینه توافق آبراهام بین رژیم صهیونیستی و امارات متحده عربی، این نکته بسیار حائز اهمیت است که ابتدا برنامه غایی این رژیم برای برقراری و پیاده‌سازی دیپلماسی فرهنگی در مورد امارات چه بوده و چرا این کشور انتخاب شده است؟ با استفاده از نظرات کارشناسان این نتیجه حاصل شد که رژیم صهیونیستی برای هدف غایی نفوذ در بین خود مردم امارات است که این اقدام را انجام می‌دهد، زیرا اولین کشور در حاشیه خلیج فارس، مسلمان و عربی است که با رژیم صهیونیستی صلح گرم امضا کرده و خواهان افزایش مراودات در زمینه‌های مختلف است.



نمودار شماره ۲. مؤلفه‌های دیپلماسی فرهنگی

۲-۱-۶. دیپلماسی دینی

یکی از اصلی‌ترین دلایل حضور رژیم صهیونیستی در منطقه غرب آسیا و به‌ویژه امارات متحده عربی، ایجاد ارتباطات دینی با مسلمانان است. این نکته از آن جهت اهمیت دارد که با ایجاد این ارتباط به‌مرور در ذهن نخبگان مذهبی جوامع اسلامی که اغلب در مناسبات سیاسی و اجتماعی بسیار تأثیرگذارند، نفوذ کرده و بذر این نکته را که یهودیت راستین همین صهیونیسم و رژیم صهیونیستی است، در ذهن و افکار ایشان کاشته شود. این نفوذ فکری در نهایت به این نتیجه می‌انجامد که رژیم صهیونیستی نظامی برپاشده بر اساس دین الهی یهودیت بوده و دارای مشروعیت است. این هدف از طریق اقداماتی مانند برپایی مجدد کنیسه، حضور خاخام‌های یهودی صهیونیست در کشور امارات صورت گرفته است که دربردارنده ثمرات زیادی برای رژیم صهیونیستی بوده است.

۳-۱-۶. دیپلماسی علم و فناوری

از اصلی‌ترین نقاط قوت و تکیه‌گاه‌های اصلی رژیم صهیونیستی در زمینه دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی علم و فناوری است، چراکه یکی از سرآمدان این عرصه در منطقه و حتی در برخی موضوعات در جهان است. قوت بالای علم و فناوری رژیم صهیونیستی سبب شده تا دانشگاه‌ها، شرکت‌ها، سازمان‌ها و حتی وزارتخانه‌های رژیم و امارات متحده عربی مرادوات خود را آغاز کنند و به ثمر بنشانند؛ از ایجاد بسترهای مناسب همکاری علمی، پژوهشی و تحقیقاتی گرفته تا امضای مبادلات ساخت تجهیزات جدید مبتنی بر علوم هایتک و سطح بالا. رژیم می‌کوشد در نهایت این نکته را بین مردم و حاضران کشور اثبات کند که رژیم صهیونیستی به دنبال نابودی شما نیست، بلکه تمام تلاش خود را برای ارتقای سلامت، بهداشت و امنیت غذایی شما انجام می‌دهد. این ثمره بسیار مهم است، چراکه سبب تغییر ذائقه و نگرش مردم نسبت به رژیم صهیونیستی می‌شود.

۴-۱-۶. دیپلماسی ورزشی

با توجه به ذات ورزش که مبتنی بر مردم است، رژیم صهیونیستی از این طریق به دنبال ایجاد ارتباط بین مردم خود و امارات و در ادامه مردم دیگر جوامع اسلامی است. اهتزاز پرچم رژیم صهیونیستی در مسابقات ورزشی و پخش سرود این رژیم از اتفاق‌هایی است که ظاهراً اهمیت بالایی ندارد، اما زمینه‌ساز تماس فرهنگی مردم امارات و دیگر کشورهای اسلامی مانند قطر با رژیم صهیونیستی شده و در نهایت برپایی مسابقات بین‌المللی ورزشی مشترک، حضور نمایندگانی از این رژیم در مسابقه‌های مختلف در کشورهای اسلامی و در نهایت دستیابی به هدف به رسمیت شناختن این رژیم را از جانب مردم امارات و دیگر کشورهای منطقه سبب می‌شود.

۵-۱-۶. دیپلماسی رسانه‌ای

رژیم صهیونیستی با در دست داشتن ابزار دیپلماسی رسانه‌ای توسط شبکه‌های اجتماعی کاربرمحور به‌ویژه توئیتر، خبرگزاری‌ها و بنگاه‌های خبرپراکنی قدرتمند، دائماً در بر ذهن مردم جهان و امارات این تأثیر را گذاشته است که رژیم صهیونیستی با حضور در امارات به دنبال

افزایش مراودات به‌منظور برپایی و ایجاد صلح در منطقه است.

ابزارهای دیگر مانند ساختن مستند، برنامه‌های تلویزیونی، ایجاد شبکه تلویزیونی مستقل در امارات یا حتی ساختن فیلم و سریال در امارات نیز در حال استفاده از سوی رژیم صهیونیستی است تا از این طریق نیز با پمپاژ نکات مثبت از خود، پایداری‌اش را در امارات تقویت کرده و راه حضور در سایر کشورها را نیز باز کند.

۶-۱-۶. دیپلماسی گردشگری

از نخستین و مهم‌ترین اتفاق‌هایی که با پیمان آبراهام بین رژیم صهیونیستی و امارات صورت گرفت، باز شدن خط مستقیم پرواز تل‌آویو - دبی و لغو ویزای گردشگری برای طرفین بود. این اتفاق را می‌توان از دو جنبه مورد بررسی قرار داد؛ نخست اینکه راه حضور تجار و گردشگران اسرائیلی در امارات باز شد و نکته مهم بعدی این بود دیگر رژیم می‌توانست از آسمان امارات و دبی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراجع ارتباطی (هاب) منطقه غرب آسیا و خلیج فارس برای سفرهای خود بهره ببرد. تاحدی که در پیش‌بینی‌های مسئولان ذی‌ربط، تا سال ۲۰۳۰ بیش از نیمی از ساکنان رژیم صهیونیستی از امارات دیدن می‌کنند. این حضور و افزایش تماس فرهنگی سبب ارتباطات بین‌مردمی شده و دیگر ارتباط با فردی از رژیم صهیونیستی در کشورهای اسلامی عمل قبیحی قلمداد نخواهد شد.

نکته قابل ذکر و اتفاق مهم دیگری که در سال ۲۰۲۱ رخ داد، نخستین حضور رژیم صهیونیستی در نمایشگاه اکسپو ۲۰۲۰ دبی بود. این حضور و مشارکت به‌وضوح از نخستین گام‌های پیمان طرفینی برای معرفی رژیم صهیونیستی به‌عنوان کشوری حامل پیام صلح به جهانیان به‌ویژه گردشگران مسلمان حاضر در نمایشگاه بود.

۶-۱-۷. دیپلماسی غذایی

دیپلماسی غذایی به‌خودی‌خود عامل انتقال فرهنگ و سبک زندگی طرفینی است؛ یعنی با حضور یک غذا یا طرز تهیه آن از سرزمین‌های اشغالی و یا تأکید بر اصول «کوشر»، استاندارد غذایی

یهودیان، راه حضور و ارتباط فرهنگی مردم باز شده است. این موضوع افزون بر مراودات بالای گردشگری رژیم صهیونیستی با امارات، ضریب نفوذ را چندین برابر کرده و به‌مرور راه حضور و سکونت دائمی یهودیان صهیونیست در امارات و سایر کشورها را هموار می‌کند.

۲-۶. نقش شرکت‌های خصوصی و سمن‌ها

نمی‌توان نقش سمن‌ها و شرکت‌های خصوصی در دیپلماسی فرهنگی را به‌عنوان ابزاری قدرتمند انکار کرد. اگر حضور هر کدام از شرکت‌های تجاری خصوصی مانند مجموعه‌ها و شرکت‌هایی از رژیم صهیونیستی را که معمولاً توسط افسران سابق نظامی و امنیتی اداره می‌شوند، در امارات دنبال کنیم، به این نکته خواهیم رسید که آن‌ها می‌توانند مستقیم عامل رژیم صهیونیستی یا هر کشور دیگری باشند. این موضوع سبب می‌شود با استفاده از ابزار ارتباط مردمی خود (ارتباط با سایر شرکت‌های خصوصی و مجموعه‌های مردم‌نهاد) راه انتقال هدف کشور مبدأ را طی کنند؛ یعنی می‌توان سیاست اعلامی یک کشور و حاکمیت را به‌راحتی از طریق سیاست‌های اعمالی شرکتی مهم و تأثیرگذار به انجام رساند.

۳-۶. دلایل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی

ذات عادی‌سازی روابط بین دو کشور، امری سیاسی و در جهت بیشینه‌سازی منافع ملی آن کشور است، اما وقتی کشوری از دیپلماسی فرهنگی برای این موضوع بهره می‌برد دنبال آن است تا علاوه بر پایدارسازی پیمان فی‌مابین، نفوذی هم بین مردم کشور مقابل داشته باشد تا ارتباطات مردمی را در کنار ارتباطات سیاسی و دیپلماتیک دنبال کند. حال اگر رژیم صهیونیستی را یک طرف فرایند عادی‌سازی روابط از طریق دیپلماسی فرهنگی در نظر بگیریم، چند هدف دیگر افزون بر موارد اشاره‌شده قابل بیان است که در ادامه به این موارد خواهیم پرداخت.



نمودار شماره ۳. دلایل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی

۱-۳-۶. نفوذ امنیتی

ذات برخاسته از نظامی‌گری و تأکید همیشگی بر دستگاه‌های امنیتی - نظامی توسط رژیم صهیونیستی، ردپای امنیتی - اطلاعاتی را ناظر بر هر اقدامی نشان می‌دهد. حال اگر این تعامل در منطقه غرب آسیا با آن همه رخدادها و ذات امنیتی باشد، این اماره تقویت شده و می‌توان آن را اثبات کرد. اگر قرار باشد اهداف اصلی پروژه حضور رژیم صهیونیستی در امارات و قرارداد آبراهام را بررسی کنیم، نمی‌توانیم از بحث نفوذ امنیتی این رژیم در جوامع اسلامی غافل شویم.

۲-۳-۶. دلایل عادی‌سازی روابط

عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی و امارات، عامل رهایی از انزوای راهبردی در منطقه است؛ یعنی رژیم صهیونیستی با ایجاد تصویری جدید از خود با حضور و تعامل کامل با یک کشور اسلامی و ایجاد تفاهم راهبردی در غرب آسیا، دیگر کشورهای منطقه را به سمت خود دعوت می‌کند تا با ایجاد این تفاهم، مواهب سرشاری را به‌ویژه در حوزه اقتصادی برایشان

سرازیر کند. برای نمونه، با حضور در منطقه خلیج فارس به‌عنوان شاه‌راه تجارت انرژی دنیا و با در دست داشتن دست بالا در سطح فناوری، می‌تواند بازار کشتیرانی منطقه را تحت تأثیر قرار دهد و منافع اقتصادی زیادی را برای خود به ارمغان آورد.

از دیگر عوامل اساسی تفاهم آبراهام و کل فرایند عادی‌سازی روابط، حفظ کیان و بالابردن امنیت برای رژیم صهیونیستی است. با این اتفاق علاوه بر گسترش هم‌پیمانان خود، تهدیدهای نظامی مقابل خود را به سمت کمینه میل می‌دهد؛ چراکه با ایجاد تفاهم سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با کشورهای عربی و منطقه غرب آسیا از ائتلاف ایشان با جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با خود جلوگیری کرده و امنیت مرزهایش را افزایش می‌دهد.

۳-۳-۶. وجهه منفی مردمی

با توجه به ذات اشغالگری و تجاوزمآبانه رژیم صهیونیستی این نکته بدیهی است که بین مردم منطقه جایگاه و وجهه مناسب و مثبتی نداشته باشد. اگر بگوییم که یکی از اصلی‌ترین دلایل رژیم برای عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی، تلاش جهت شکستن این وجهه در اذهان مردم منطقه است، نکته گزافی نیست.

۴-۳-۶. کاهش پیگیری آرمان فلسطین

آرمان آزادی قدس شریف و سکونت دوباره مردم فلسطین در اراضی اشغالی، هدفی است که توسط تمامی مردمان و حکام منطقه که با رژیم از طرقتی سر عناد دارند و آن را به‌عنوان متجاوز در تمام صحنه‌های بین‌المللی معرفی می‌کنند و به رزمندگان جبهه مقابل آن کمک‌های مختلفی می‌کنند، دنبال می‌شود. اگر این رژیم بتواند با عادی‌سازی روابط با سایر کشورها به نحوی از گسترش و پیگیری این آرمان جلوگیری کند، علاوه بر کسب منفعت امنیتی یعنی کاهش تهاجمات گروه‌های مخالف به اراضی اشغالی، به‌مرور و پس از گذشت سالیان و تغییر نسل در آن کشور، این هدف و آرمان را از ذهن مردم پاک‌سازی می‌کند.

۵-۳-۶. مشروعیت‌یابی

شاید اصلی‌ترین دلیل رژیم صهیونیستی برای عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی این است که برای خود مشروعیت ایجاد کند. وقتی کشوری که در مناسبات رسمی بین‌المللی

حضور دارد، رژیم صهیونیستی را به رسمیت می‌شناسد، به‌مرور این مشروعیت و رسمیت را به تمام دنیا تعمیم داده و رژیم را همچون یک دولت به دنیا معرفی می‌کند.

۶-۳-۶. قبح‌زدایی

رژیم صهیونیستی به‌دنبال این بود که پس از ارتباط با یک کشور اسلامی، آن را کاملاً در تمامی جوانب منتشر و اعلام کند ارتباط با اسرائیل اتفاق منفی و قبیحی نیست و شما نیز می‌توانید با این اتفاق مواهب زیادی کسب کنید. امارات به‌عنوان یک کشور اسلامی، نخستین دولتی بود که تن به صلح گرم و تفاهم همه‌جانبه با رژیم صهیونیستی داد. امارات تابوی ارتباط مستقیم با رژیم صهیونیستی را شکست و این دلیلی است که رژیم می‌تواند آن کشور را یکی از اصلی‌ترین خروجی‌های ارتباطی برای خود بداند.

۶-۳-۷. بهبود برند و تصویر

تصویر و برند ملی رژیم صهیونیستی در غرب آسیا بسیار نامناسب بوده است و از راهکارها و برنامه‌های مختلفی برای بهبود این تصویر استفاده می‌کند؛ چراکه نامناسب بودن تصویر یک کشور در اذهان مردم، در ادامهٔ تعامل و ارتباطشان بسیار تأثیر می‌گذارد. این تأثیر در نهایت حتی سبب جلوگیری از ارتباط سیاسی بین رژیم صهیونیستی و کشورهای دیگر می‌شود، اما عادی‌سازی روابط از طریق دیپلماسی فرهنگی این امکان را به رژیم می‌دهد تا درعین‌حالی که از موهبت‌های جاری عادی‌سازی روابط بهره می‌برد، به‌مرور با نمایش نکات مثبت و نقاط قوت خود برای مردم آن جامعه، تصویر خود را تغییر داده و برند ملی‌اش را بهبود ببخشد.

۶-۴. عادی‌سازی روابط و جمهوری اسلامی ایران (دشمن‌سازی)

بررسی نظام تأثیرات و تأثرات عادی‌سازی روابط بین امارات و رژیم صهیونیستی بر جمهوری اسلامی ایران یکی از اهداف این پژوهش بوده و با توجه به اینکه در پرسش‌های اصلی پژوهش به‌صورت مستقیم به موضوع ایران اشاره‌ای نشده، ولی با توجه به اهمیت موضوع، حین مصاحبه از مصاحبه‌شوندگان پرسشی در این زمینه پرسیده شد و به‌طورکلی می‌توان بیان گفت ایران در جهت مقابله با این اتفاق، اقدام مثبتی انجام نداده و باید هرچه سریع‌تر در این مسیر اقدام کند و اثرات زیان‌بار این تفاهم برای جمهوری اسلامی ایران بسیار بالاست.

۱-۴-۶. نقش و اقدامات جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران بیش از ده سال است که در امارات متحده عربی رایزن فرهنگی مستقر نداشته و تمام مراودات از سوی سفارتخانه و کنسولگری ایران انجام می‌پذیرد. این امر از آن جهت اهمیت دارد که رژیم صهیونیستی از همین خلأ ارتباط فرهنگی بین دو کشور بهره برده و به مرور طی مدت حدود دوازده سال در امارات و به‌ویژه شهر دبی نفوذ کرده است.

پس از غفلت و انفعال طولانی مدت و عدم فعالیت بهنگام و مناسب، جمهوری اسلامی باید با تمرکز بر دیپلماسی فرهنگی سعی در انجام و پیگیری اقداماتی در جهت ختنی‌سازی این حضور کند؛ یعنی با ایجاد ائتلاف در منطقه و تأکید بر اصول مورد اتفاق نظر در منطقه، از حضور و نفوذ بیش از حد رژیم صهیونیستی جلوگیری کند و با پیگیری‌های سیاسی، رسانه‌ای و فرهنگی از گسترش اقدامات و تعاملات رژیم در امارات جلوگیری کند.

۲-۴-۶. تأثیر مستقیم بر جمهوری اسلامی ایران

نزدیکی جغرافیایی ایران و امارات و هم‌مرزی دو کشور دلیل بسیار مناسبی برای حضور رژیم صهیونیستی در امارات است. اگر این توافقات ادامه پیدا کند، رسماً مرزهای امنیتی ایران در معرض تهدید مستقیم قرار می‌گیرد، چراکه این رژیم از هر اقدامی برای نفوذ به ایران بهره می‌جوید و به‌راحتی با تربیت جاسوسانی بر تمام مناسبات ایران با منطقه اثر خواهد گذاشت و حتی از آنان برای نفوذ در ایران استفاده خواهد کرد.

۵-۶. اهمیت منطقه غرب آسیا به‌ویژه امارات برای رژیم صهیونیستی (بسترسازی)

ابتدایی‌ترین و بدیهی‌ترین پاسخ به این پرسش که چرا رژیم صهیونیستی اقدام به برقراری عادی‌سازی روابط در حاشیه خلیج فارس را از امارات آغاز کرده این است که به‌دنبال حضور خود در منطقه و همچنین حضور در همسایگی ایران به‌عنوان اصلی‌ترین دشمن خود است. با بررسی و مذاقه نهایی دلایل اهمیت این منطقه برای رژیم صهیونیستی بیان شده است که در ادامه بررسی خواهد شد.



نمودار شماره ۴. اهمیت منطقه غرب آسیا به ویژه امارات برای رژیم صهیونیستی (بستر سازی)

۱-۵-۶. اهمیت منطقه غرب آسیا

در این منطقه چهره‌های تأثیرگذار دیگری مانند عربستان و ترکیه نیز وجود دارند که به مرور و با ایجاد ارتباط دائمی با یک کشور (امارات متحده عربی) می‌توان در دیگر کشورها هم حضور داشت و مقدمات ارتباط دائمی و عادی‌سازی روابط با ایشان در آینده را فراهم ساخت. رژیم صهیونیستی همیشه با ترسی نسبت به این منطقه اقدامات خود را آغاز می‌کند، یعنی به صورت کلی و با توجه به سبقت ارتباط و جنگ‌های صورت گرفته و همچنین نقش بی‌بدیل ایران در منطقه، از قدم‌های بعدی خود در منطقه بسیار وحشت دارد. به همین دلیل با نفوذ به یک کشور، حضور اطلاعاتی خود را در منطقه با قدرت مضاعفی ادامه داده و با تکیه بر توان اطلاعاتی خود بسترهای مناسبی را برای عادی‌سازی یا حتی تغییر در کل منطقه پیگیری خواهد کرد.

۲-۵-۶. الگوسازی امارات

به جرئت می‌توان اذعان کرد امارات بستر و الگوی بسیار مناسبی برای آغاز حضور در منطقه بوده است، چراکه رژیم می‌تواند از بسترهای قوی اقتصادی این کشور در ارتباط با سایر

کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی استفاده کند و سیاست عادی‌سازی روابط خود را از همین طریق به گوش تمام منطقه برساند.

۳-۵-۶. ضعف‌های ساختاری امارات

رژیم صهیونیستی در حال استفاده از اماراتی است که جمعیت بومی آن نهایتاً ۳۰ درصد کل جمعیت آن را تشکیل می‌دهد. این جامعه بومی به شدت گوش‌به‌فرمان و در خدمت حاکمان هستند و از ایشان توقع پیگیری و تمرکز بر آرمان فلسطین نمی‌رود. این دو موضوع بستر حضور پایدار را برای رژیم رقم می‌زند. علاوه بر این، وضعیت چندفرهنگ‌گرایی که در این کشور به‌واسطه حضور حدود هفتاد درصد مهاجر فراهم آمده است، این امکان را به رژیم صهیونیستی می‌دهد تا خیال آسوده‌تری داشته باشد.

۴-۵-۶. فرصت‌های حضور در امارات

بستر فرهنگی مناسب امارات برای حضور یهودیان و سایر ادیان و همچنین ارتباط قدمت‌دار بین امارات و یهودیان، از اصلی‌ترین فرصت‌هایی است که رژیم صهیونیستی در امارات پیگیری می‌کند. نکته حائز اهمیت دیگر این است که امارات در دهه اخیر بسیار مشتاق ارتباط گسترده در زمینه‌های مختلف با دنیاست، چراکه با تغییر ادبیات حاکمه خود به سمت سرمایه‌داری، به دنبال رشد روزافزون و فزاینده ارتباطات اقتصادی با کشورهای مختلف است و این دقیقاً فرصت مناسبی برای حضور رژیم صهیونیستی به نمایندگی از کل غرب ایدئولوژیک در امارات است.

نکته مهم بعدی درباره امارات، نقش اتصال‌دهنده آن برای ارتباط آینده این رژیم با کشورهای دیگر است. امارات می‌تواند برای رژیم صهیونیستی نقش سرپل را بازی کند؛ سرپل ارتباط با کشورهای آسیایی، کشورهای اسلامی، کشورهای منطقه و حتی کشورهای آفریقایی، زیرا ارتباط امارات با کشورهای آفریقایی بسیار بالاست و حجم تجارت بینشان این مدعا را اثبات می‌کند.

۵-۵-۶. قراردادهای تجاری و اقتصادی

رژیم صهیونیستی قطعاً از فرصت قراردادهای تجاری که با حضور در امارات می‌تواند کسب کند غافل نبوده است. همچنین نباید از قوت بالای خود رژیم صهیونیستی نیز در این زمینه غافل بود؛ یعنی این تعامل سود طرفین را به دنبال خواهد داشت. برای مثال رژیم صهیونیستی

به دنبال این است تا آرزوی امارات را برای تبدیل دوبی به عنوان قطب تجارت جهانی با حضور شرکت‌های قدرتمند خود و همچنین پیش افتادن از هم‌پیمانان خود برآورده سازد.

۶-۵-۶. مراودات نظامی و تسلیحاتی

با توجه به نزدیکی به ایران و همچنین تشنگی همیشگی امارات برای به دست آوردن تسلیحات نوین، این فرصت برای رژیم وجود دارد تا نفوذ خود را در تمام شئون امارات به سمت پیشینه سوق دهد، چراکه اماکن نظامی و ارتباطات نظامی به صورت عادی در اختیار کشور دیگری قرار نمی‌گیرد، اما با تحویل دادن تسلیحاتی همچون هواپیما یا اقدام به ساخت موشک در این کشور توسط رژیم صهیونیستی، این امید را پیدا می‌کند که بتواند در زمان مقتضی و احتمالی نبرد با ایران بهره‌مندی لازم را کسب کند.

۶-۵-۷. اهمیت منطقه خلیج فارس

خلیج فارس به خودی خود اهمیت بسیار بالایی برای تمام کشورها دارد، چراکه شاهراه تجارت انرژی دنیا قلمداد می‌شود. اهمیت خلیج فارس و منطقه، فرصت بسیار مناسبی است تا رژیم صهیونیستی بتواند از مواهب موجود به نحو مطلوبی بهره‌مند شده و از آن به عنوان سکویی در جهت رشد تعاملات خود بهره‌برد، اما اهمیت بعدی این منطقه حضور و تسلط راهبردی ایران بر خلیج فارس و تنگه هرمز است. این موضوع علاوه بر بُعد سیاسی و اقتصادی، بُعد امنیتی نیز دارد، زیرا دو دشمن مستقیم و رودررو کنار مرزهای یکدیگر حضور دارند؛ از این رو برای رژیم صهیونیستی فرصتی بسیار مهم و کارا به شمار می‌آید.

۶-۶. بازیگران کلیدی

رژیم صهیونیستی و امارات برای ایجاد تفاهم آبراهام در ابتدای امر از میانجی قدرتمندی به نام ایالات متحده آمریکا بهره می‌بردند، تا جایی که در بسیاری از منابع، این پیمان را سه‌جانبه می‌خوانند. نقش آمریکا در برقراری این ارتباط بسیار مهم و مؤثر است و حتی می‌توان پیش‌بینی کرد در آینده نزدیک - متأسفانه - بازیگر اصلی‌ای که می‌تواند به عنوان حلقه وصل در برنامه‌های این رژیم عمل کند، عربستان سعودی یا حتی ایالات متحده آمریکا خواهد بود و به نظر می‌رسد رژیم با مساعدسازی فضای تعامل و اعطای امتیازات مختلف این مهم را به ثمر

می‌رساند. دولت دونالد ترامپ در قرارداد آبراهام نقش محوری ایفا کرد و احتمالاً در دولت بعدی او نیز این سیاست دنبال خواهد شد.

۱-۶-۶. نقش و اقدامات ایالات متحده امریکا

پس از اینکه در دولت جرج بوش، نقشه غرب آسیا (خاورمیانه) جدید رونمایی شد، نشانه‌هایی از آینده مناسبات رژیم صهیونیستی به‌عنوان محور با کشورهای این منطقه دیده شد. با توجه به حضور لابی یهودی صهیونیسم در دولت امریکا، این کشور در اعطای کمک‌های همه‌جانبه به این رژیم بسیار فعال بوده و سال‌های سال به‌عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین حامی آن حضور تمام‌قد داشته است.

در موضوع عادی‌سازی روابط با امارات، امریکا در ابتدای امر و به‌ظاهر نقش محلل و میانجی را بازی می‌کرد، اما پس از چندی مشخص شد با اهرم فشارهایی که در اختیار دارد، از مسببان اصلی این توافق است و حتی در این بین، قول‌های مساعدی برای پا گرفتن این قرارداد مثل فروختن جنگنده F35، به امارات داده است.

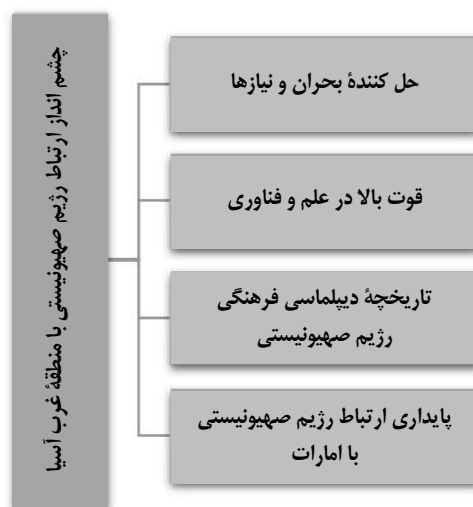
۲-۶-۶. نقش و اهمیت عربستان سعودی

عربستان سعودی بازیگری کلیدی در منطقه و جهان اسلام است. اگر از عربستان به‌عنوان کشوری یاد شود که چنانچه اقدامی در زمینه عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی انجام دهد، سایر کشورهای ضعیف منطقه مانند قطر، عمان و کویت نیز دومین‌وار به این سمت کشیده می‌شوند، گرافه‌گویی نشده است. با توجه به برخی شواهد، اقدامات رژیم برای عادی‌سازی روابط با عربستان زودتر از امارات آغاز شده است، اما با توجه به اهمیت قوت پیمان، پروژه ابتدا با امارات و بحرین به‌عنوان کشورهای مهمی که به‌صورت کلی اهمیت پایین‌تری نسبت به عربستان دارند، آغاز شد. در حال حاضر ایجاد تعامل و ارتباط نهایی بین عربستان و رژیم صهیونیستی دور از انتظار نبوده و احتمال می‌رود در آینده شاهد آن باشیم.

۷-۶. چشم‌انداز ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه غرب آسیا

صحبت درباره آینده بدون در نظر گرفتن اصلی‌ترین روندها و بررسی تاریخچه آن قابل اعتماد نبوده و پیشگویی‌ای بیش نیست. در زمینه آینده احتمالی از ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه

غرب آسیا، به‌ویژه امارات متحده عربی، می‌توان به دو مسیری که این رژیم در سیاست‌هایش پیش گرفته است نظر داشت: تقویت قوت علم و فناوری و تأکید و تأثیرگذاری بر بحران‌ها و نیازهای جوامع. رژیم با افزایش قوت علمی می‌تواند تا سال‌های سال از کشورها و ملت‌های دیگر منطقه پیشی بگیرد و با تمرکز بر حل بحران‌ها درک درستی را از منطقه برای خود ایجاد کند و از این طریق در پی دستیابی به اهداف خود در منطقه بحران‌خیز غرب آسیا برآید.



نمودار شماره ۵. چشم‌انداز ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه غرب آسیا

۱-۷-۶. حل‌کننده بحران و نیازها

رژیم صهیونیستی به‌دنبال آن است که خود را حل‌کننده بحران‌ها و برطرف‌کننده نیازهای کشورهای منطقه نشان دهد. بحران‌ها و نیازها مستقیم با خود جوامع و مردم سروکار دارد. اگر رژیم بتواند نیازی فوری مانند احیای زمین‌های کشاورزی به‌منظور ایجاد یا بهبود امنیت غذایی مردم امارات را پاسخ دهد، مستقیم با مردم منطقه ارتباط برقرار کرده و به‌مرور در ذهن و ذائقه ایشان حک می‌شود که این رژیم صهیونیستی بود که نیاز ما را برطرف کرد. برای مثال، اکنون در امارات پزشکان متعددی از رژیم صهیونیستی حضور پیدا کرده‌اند و توافق‌های گسترده‌ای برای تقویت این علم و نیاز مردم صورت گرفته است. این یعنی رژیم به‌دنبال نفوذ در اذهان مردم در لحظات حساس و مهم زندگی‌شان است و در نهایت یعنی پیگیری مردم برای حضور مستمر رژیم صهیونیستی از

حکومت‌های خود که قطعاً احتمال ارتباط یا حفظ ارتباط را بالاتر خواهد برد.

۲-۷-۶. قوت بالا در علم و فناوری

یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های رژیم صهیونیستی، تمرکز بر دیپلماسی علم و فناوری است. این تمرکز به صورت اتفاقی و بدون در نظر داشتن زمینه آن یعنی بالا بودن قوت در علم و فناوری نیست. کشورهای که در منطقه حضور دارند - مانند عربستان - توانایی رسیدن به علوم سطح بالا و مهم مثل انرژی هسته‌ای را ندارند و حاضرند برای رسیدن به آن دست به هر کاری بزنند. رژیم صهیونیستی با تمرکز بر دیپلماسی علم و فناوری و رسانش آن به تمام جهان از طریق برگزاری کنفرانس‌ها یا ثبت جهانی اختراعات، قدرت خود را به رخ منطقه می‌کشد و منطقه برای رفع نیازهای خود به ارتباط با رژیم به عنوان گزینه‌ای اساسی می‌اندیشد.

۳-۷-۶. تاریخچه دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی

پس از سال ۲۰۰۰ و به‌ویژه پس از جنگ ۳۳ روزه لبنان تلاش رژیم برای استفاده از دیپلماسی فرهنگی بسیار زیادتر از سابق شده است که به تغییر رویه در ارتباط‌گیری با کشورهای دنیا به‌ویژه منطقه برمی‌گردد. این دیپلماسی در ابتدا در مورد کشورهای مسلمان همسایه موفق نبوده است، ولی در ادامه مثل همین مثال امارات، موفقیت‌های بزرگی کسب کرده است؛ باین‌حال، در مورد کشورهای غیرمسلمان حاضر در منطقه، مثل کشورهای اروپایی یا آفریقایی، موفقیت‌هایی زیادی داشته که سبب ایجاد اتحادهایی با برخی از ایشان شده است.

۴-۷-۶. پایداری ارتباط رژیم صهیونیستی با امارات

جامعه ساکن در امارات به‌هیچ‌وجه یک‌دست یا با اکثریت قالب در بافت فرهنگی نیست. با توجه به این نکته، جامعه مدنی ضد جریان صهیونیست در این کشور حضور و فعالیت چندانی ندارد و حاکی از این مدعاست که استمرار ارتباط و تعامل رژیم صهیونیستی در امارات با معارض مردمی همراه نخواهد شد، زیرا علاوه بر سست بودن جامعه مدنی، رژیم صهیونیستی از ابزار مردمی‌سازی سیاست‌های خود یعنی دیپلماسی فرهنگی بهره‌جسته و به‌مرور بر مردم کشور تأثیر مستقیم گذاشته است.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی راهبردهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی در راستای عادی‌سازی روابط با امارات متحده عربی انجام شده است. رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس با چالش‌های اساسی در زمینه هویت و مشروعیت در منطقه غرب آسیا روبه‌رو بوده و تلاش کرده است تا از طریق عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه، به‌ویژه امارات متحده عربی، بر این چالش‌ها غلبه کند. هدف اصلی این رژیم، نفوذ در افکار عمومی منطقه، زدودن تصویر منفی از خود و ایجاد همگرایی با کشورهای عربی است تا از این طریق، اهداف سیاسی، اقتصادی و امنیتی خود را پیش ببرد. به عبارت دیگر، رژیم صهیونیستی به دنبال مشروعیت‌یابی در میان مردم منطقه و تثبیت حضور و نفوذ خود میان جوامع مسلمان است و برای دستیابی به این هدف، از تمامی ابزارهای ممکن بهره می‌برد که دیپلماسی فرهنگی، از جمله مهم‌ترین آنهاست.

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحقیق ترکیبی شامل مطالعه اسنادی و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته انجام شده است. برای گردآوری داده‌های کیفی، با یازده نفر از خبرگان و مطلعان از موضوع مصاحبه به عمل آمد. سپس داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و منجر به شناسایی ۳۰ مضمون سازمان‌دهنده و شش مضمون فراگیر زیر شد:

۱. دیپلماسی عمومی، ابزارها و مؤلفه‌ها: رژیم صهیونیستی برای پیشبرد اهداف خود در منطقه از طیف گسترده‌ای از ابزارهای دیپلماسی عمومی بهره می‌برد. این ابزارها شامل دیپلماسی فرهنگی، دیپلماسی رسانه‌ای، دیپلماسی ورزشی، دیپلماسی علمی و فناوری و سایر اشکال ارتباط با افکار عمومی منطقه است. رژیم صهیونیستی تلاش می‌کند با استفاده از این ابزارها، تصویر مثبتی از خود ارائه داده و زمینه را برای پذیرش و همکاری از سوی کشورهای منطقه فراهم آورد.

۲. دلایل و زمینه‌های عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی: رژیم صهیونیستی با چالش‌های اساسی در زمینه هویت و مشروعیت در منطقه غرب آسیا روبه‌روست. این رژیم تلاش می‌کند از طریق عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، به‌ویژه امارات متحده عربی، بر این چالش‌ها غلبه کند و جایگاه خود را در منطقه تثبیت کند. به عبارت دیگر، عادی‌سازی روابط، راهبردی کلیدی برای رژیم صهیونیستی در جهت کسب مشروعیت و پذیرش منطقه‌ای است.

۳. عادی‌سازی روابط و جمهوری اسلامی ایران: یکی از اهداف رژیم صهیونیستی از

عادی‌سازی روابط با کشورهای عربی، ایجاد اجماع منطقه‌ای علیه جمهوری اسلامی ایران است. این رژیم می‌کوشد با ترسیم چهره‌ای منفی از ایران، کشورهای عربی را به سمت خود جذب کرده و از این طریق، نفوذ منطقه‌ای ایران را محدود سازد.

۴. اهمیت منطقه غرب آسیا به‌ویژه امارات: منطقه غرب آسیا به دلیل موقعیت جغرافیایی راهبردی، منابع انرژی غنی و تحولات سیاسی پیچیده، از اهمیت ویژه‌ای برای رژیم صهیونیستی برخوردار است. در این میان، امارات متحده عربی به‌عنوان بازیگری کلیدی در منطقه، نقش مهمی در محاسبات رژیم صهیونیستی ایفا می‌کند. این رژیم می‌کوشد با تقویت روابط خود با امارات، زمینه را برای حضور و نفوذ بیشتر در منطقه فراهم کند.

۵. بازیگران کلیدی: فرایند عادی‌سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، تحت تأثیر عوامل و بازیگران گوناگونی قرار دارد. علاوه بر دولت‌ها، بازیگران غیردولتی مانند رسانه‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد و گروه‌های ذی‌نفوذ نیز در این فرایند نقش ایفا می‌کنند. شناخت این بازیگران و تحلیل نقش آن‌ها، برای درک پویایی‌های عادی‌سازی روابط ضروری است.

۶. چشم‌انداز ارتباط رژیم صهیونیستی با منطقه غرب آسیا: عادی‌سازی روابط میان رژیم صهیونیستی و کشورهای عربی، پیامدهای گوناگونی برای آینده غرب آسیا به‌دنبال خواهد داشت. این پیامدها می‌تواند شامل تغییر در توازن قدرت منطقه‌ای، افزایش همکاری‌های اقتصادی و امنیتی و تحولات فرهنگی و اجتماعی باشد. تحلیل این پیامدها برای پیش‌بینی تحولات آینده منطقه حائز اهمیت است.

به‌طور خلاصه، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی با استفاده از راهبردهای دیپلماسی فرهنگی و عمومی، به‌دنبال عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه، به‌ویژه امارات متحده عربی و مشروعیت بخشیدن به حضور خود در منطقه است. این رژیم با بهره‌گیری از ابزارهای گوناگون می‌کوشد در افکار عمومی منطقه نفوذ کرده و زمینه را برای همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی بیشتر فراهم آورد. این یافته‌ها بر اهمیت توجه به ابعاد فرهنگی در تحلیل تحولات سیاسی منطقه و ضرورت اتخاذ رویکردهای هوشمندانه برای مقابله با راهبردهای دیپلماسی فرهنگی رژیم صهیونیستی تأکید می‌کند.

فهرست منابع

- آهوپی، مهدی؛ متین‌جاوید، مهدی (۱۳۹۲). «اهداف، اولویت‌ها و مخاطبان دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال شانزدهم، شماره اول، مسلسل ۵۹، بهار، صص ۲۰۴-۱۸۳.
- احمدی، مسعود (۱۳۹۷). راهبردهای جنگ روانی رژیم صهیونیستی علیه جمهوری اسلامی ایران از ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- ازکیا، مصطفی؛ دربان آستانه، علیرضا (۱۳۹۰). روش‌های کاربردی تحقیق، تهران: کیهان.
- اسفندیاری، احمد؛ صادقی، سیدصاحب (۱۳۹۶). دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه (مطالعه موردی ایران)، تهران: خبرگزاری فارس.
- بابایی، ابوالفضل (۱۳۹۷). دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی در قبال جمهوری اسلامی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- بی، ارل (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (نظری - عملی)، ترجمه رضا فاضل، تهران: سمت.
- جی. هورن، برایان؛ تومالین، باری (۱۴۰۰). ارتباطات میان‌فرهنگی: نظریه و کاربرد، ترجمه: محمدحسین شعاعی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- چاکر ابورتی، کیشور (۱۳۹۹). واژه‌نامه توصیفی دیپلماسی فرهنگی، ترجمه سمیه آزادی و آزاده مهرپویان، تهران: مجد.
- شفیعی سروسناتی، فاطمه؛ ایزدی، فؤاد؛ عاملی، سعیدرضا (۱۳۹۴). «دیپلماسی عمومی رژیم صهیونیستی در قبال آمریکا از منظر شبکه و روایت»، فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم، سال پنجم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان، صص ۱۳۸-۱۱۱.
- شهبازی، مجید (۱۳۹۹). نقش آموزش مجازی در توسعه دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی دانشگاه مجازی المصطفی (ص)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن (۱۳۸۹). «درآمدی بر دیپلماسی عمومی اسرائیل»، مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی و امریکاشناسی، ۱۱ (۴)، صص ۵۰-۲۵.
- شیخ‌الاسلامی، محمدحسن و نوری، حامد (۱۳۹۶). دیپلماسی عمومی، تهران: وزارت خارجه. ب
- صالحی امیری، سید رضا؛ محمدی، سعید (۱۳۹۵). دیپلماسی فرهنگی، تهران: ققنوس.

- عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمدسعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخزاده، محمد (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی»، *اندیشه مدیریت راهبردی*، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۱۹۸-۱۵۱.
- علی کرمی، فریبا؛ شریعتی، محمدتقی (۱۳۹۳). «دیپلماسی علمی اسرائیل و بحران مشروعیت»، *مطالعات منطقه‌ای: اسرائیل‌شناسی و امریکاشناسی*، سال پانزدهم، شماره ۵۲، بهار، صص ۹۲-۶۷.
- قانون، مرتضی (۱۳۸۱). *دیپلماسی پنهان: جستاری در روابط ایران و اسرائیل در عصر پهلوی با مروری بر پیشینه تاریخی یهودیان*، تهران: انتشارات طبرستان.
- کال، نیکلاس جی (۱۳۹۰). *دیپلماسی عمومی قبل از گولین در کتاب مرجع دیپلماسی عمومی*، ترجمه روح‌الله طالب‌آرانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- گوهری مقدم، ابوذر؛ افضل‌ی، سید عرفان‌الدین؛ جهانبازی گوجانی، رضا؛ تمدن، امیررضا (۱۴۰۱). «توثیق‌دیپلماسی امارات متحده عربی درباره عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی»، *پژوهش‌نامه رسانه بین‌الملل*، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان، صص ۱۱۱-۸۷.
- گیلبوآ، ایوان (۱۳۸۸). *ارتباطات جهانی و سیاست خارجی*، ترجمه حسام‌الدین آشنا و محمدصادق اسماعیلی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مصطفی، امین (۱۳۸۸). *دیپلماسی پنهان اسرائیل در کشورهای عربی*، تهران: ابتکار دانش.
- ملکی، محمدرضا؛ محمدزاده ابراهیمی، فرزاد (۱۳۹۹). «چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب»، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۷ (۳)، صص ۶۴-۴۵.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). "Using thematic analysis in psychology", *Journal Qualitative Research in Psychology*, Vol.3, Issue 2, pp: 77-101.
- Schneider, C. P. (2006). "Cultural diplomacy: Hard to define, but you'd know it if you saw it", *The Brown journal of world affairs*, 13 (1), pp. 191-203.